

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بررسی طائفه پنجم از آیات دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

در مباحث گذشته در بحث از آیات جهاد که ما در بحثمان آیاتی که دلالت بر وجوب جهاد ابتدایی دارد، این را داریم مورد بحث قرار می‌دهیم.

بررسی آیه 75 و 76 نساء ضمن چند نکته؛

یکی از آیات که دنباله‌ی مباحث گذشته است آیه 75 و 76 از سوره مبارکه نساء است؛ آیات قبلش را در جلسه قبل خواندیم.

نکته‌ی اول:

تبیین فرق آیه 75 با 74 نساء؛ امر به جهاد در آیه 74 و مواخذه‌ی تارکین در آیه 75

اینجا می‌فرماید: (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا) ولی در آیه 74 فرمود (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) به صورت امر باید در راه خدا مقاتله کند (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) در این آیه به صورت اعتراض خدای تبارک و تعالی نسبت به آنهایی که ترک مقاتله می‌کنند اعتراض می‌کند و این نحوه‌ی بیان حکم ببینید چقدر خداوند در مسئله‌ی جهاد عنایت دارد که هم نسبت به جانب ایجابی می‌فرماید واجب است شما در راه خدا مقاتله کنید و هم آنهایی که ترک می‌کنند مورد مؤاخذه، عتاب و توبیخ قرار می‌دهد (و ما لكم) چه چیزی برای شماست؟ چه عذری برای شماست که شما در راه خدا جنگ نمی‌کنید؟ یعنی خداوند می‌خواهد در این آیه بفرماید هر کسی که جنگ در راه خدا را انجام نمی‌دهد اصلاً عذری ندارد! وقتی می‌فرماید شما چه عذری دارید که (لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) یعنی شما هیچ عذر، بهانه و توجیه و جوابی ندارید، این یک نکته‌ی فرق بین این آیه و آیه قبل که مسئله‌ی مهمی است.

نکته‌ی دوم:

توبیخ در آیه 75 صرفاً با جهاد ابتدایی سازگار است، نه جهاد دفاعی؛

از همین نکته می‌خواهیم استفاده کنیم چنین تعبیری در مورد جهاد ابتدایی معنا دارد، در مورد جهاد دفاعی اینها می‌بینند اگر دفاع نکنند خودشان از بین می‌روند و دفاع می‌کنند، اما برای جهاد ابتدایی اینها یک مقداری ترک می‌کنند انجام نمی‌دهند و سستی می‌کنند و این تعبیر و خطاب در مورد جهاد ابتدایی معنا دارد، یعنی اگر بحث جهاد دفاعی باشد این تعبیر مناسبی ندارد، چرا خدا بیايد توبيخ کند؟ در جهاد دفاعی اگر خودشان دفاع کنند محفوظ می‌مانند و اگر دفاع نکردند از بین می‌روند، اگر دفاع نکنند خودشان از بین می‌روند و ضربه‌ای به خودشان وارد می‌شود اما در جهاد ابتدایی چون مسئله‌ی دین مطرح است خدا اینها را توبیخ می‌کند، شما هیچ عذری در ترک جهاد ابتدایی ندارید (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) نکته این است که در آیات قبل دارد (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) ولی اینجا می‌فرماید (وَالْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ) این مستضعفین عطف به الله است یعنی «فی سبیل المستضعفین من الرجال»، یعنی جهاد ابتدایی کنید که مستضعفین را نجات بدهید، مستضعفین همان رجال، نساء و ولدان هستند.

به تعبیر دیگر، آیه در مقام بیان این است که کسی که جهاد ابتدایی را ترک می‌کند اصلاً عذری ندارد. در نتیجه این آیه برای جهاد دفاعی نیست؛ زیرا فرض کنید اگر یک جوانی را نمی‌گذارند درس بخواند یا رفته درس بخواند ولی موفق نشده! در این صورت نباید از امثال تعبیر آیه برای او به کار رود چرا که در مورد او این تعبیر که دیگر درست نیست. این گونه تعبیری که در آیه آمده است، برای امور بدوی و ابتدایی است، به یک جوانی بگویم چرا درس نمی‌خوانی، یا بگویم چرا نمی‌روی کار کنی، برای امور ابتدایی عرف استعمال می‌کند. اما اگر دشمن آمد حمله کرد، این آدم باید دفاع کند، حالا اگر در اینجا دفاع نکرد، خودش از بین خواهد رفت، پس تعبیر آیه با جهاد دفاعی سازگار نیست.

نکته‌ی سوم:

یکی دیگر از غایات عقلایی جهاد ابتدایی، «نجات غالب بشر» است؛

اینجا نکته‌ای که وجود دارد این است که در جهاد ابتدایی یکی از غایات و اهداف، نجات بشر است، یعنی تا به حال ما می‌گفتیم جهاد ابتدایی برای «اعلاء دین» است، برای «اعلاء کلمه‌ی توحید» است، برای دعوت به اسلام است. حالا اینجا خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: شما با جهاد ابتدایی عده‌ای از بشر را از چنگ کفر و شرک نجات می‌دهید، این یکی از غایات جهاد ابتدایی است؛ یعنی نجات خود بشر.

در نتیجه اینکه به اسلام اشکال می‌کنند که این چه دینی است که دعوت به جنگ می‌کند؛ باید در پاسخ گفت که اساساً جهاد ابتدایی برای کشور گشایی و قدرت طلبی و گرفتن زمین‌ها نیست! آری اگر اسلام می‌گفت جنگ کنید تا زمین‌ها را بگیرید، شهرها را بگیرید، اموال را به دست بیاورید، در این صورت این اشکال صحیح بود. اما می‌گوییم جهاد ابتدایی «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است، «فی سبیل المستضعفین»، است و روشن است که مستضعف با ضعیف فرقی این است که: ضعیف آن است که بالذات ضعیف و عاجز و ناتوان است، اما مستضعف آن است که در اثر فشار دیگری به ضعف گراییده شده و ضعیف شده است. یعنی یک عده‌ای از بشر در اثر اینکه در چنگال کفر، ظلم و شرک قرار دارند نمی‌گذارند که اینها مسائل دینی‌شان را انجام بدهند.

در این زمان هم یک عده از بشر در قسمت‌های مختلف دنیا هستند که در اثر فرهنگ یا حکومت یا برنامه‌هایی که برایشان طراحی شده، غوطه‌ور در فساد، ظلم و بی‌دینی هستند. اگر اسلام می‌گوید بروید جهاد کنید مقصودش این است که اینها را نجات بدهید؛ چرا که بالأخره بشر دو گروهند؛ یک گروهشان دنبال ظلم، فسق، بی‌دینی و قدرت‌طلبی هستند، آنها به قول قرآن «رَأْسُ الْكُفْرِ وَرُؤُوسُ الْكُفْرِ وَ أَوْلِيَاءُ الشَّيْطَانِ» هستند. اما غالب بشر اینطور نیست و قسم دوم این غالب بشر است؛ غالب بشر بر همان فطرت پاک انسانی هستند، اسلام می‌گوید شما که در کشور اسلامی هستید و احکام اسلام را دارید پیاده می‌کنید باید به فکر نجات آن انسان‌هایی که در کشورهای کفر دارند زندگی می‌کنند باشید، آیا این غایت عقلایی نیست؟ قطعاً هست. پس در جهاد

ابتدایی فقط صرف مسئله‌ی دین و توسعه‌ی دین نیست، هر چند نفع دین به خود بشر برمی‌گردد، ولی فایده‌ی دوم برای جهاد ابتدایی این است که نجات بشر در آن وجود دارد، نجات انسان در آن وجود دارد؛ یعنی ما برویم انسان‌هایی را از کفر و شرک و بت‌پرستی و مذاهب باطله‌ای که حالا در زمان ما به مراتب از صدر اسلام بیشتر شده نجات دهیم. پس این نکته‌ای است که از (مِنْ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ) فهمیده می‌شود.

نکته چهارم:

شأن نزول آیه 75؛

مرحوم طبرسی(ره) در کتاب «مجمع البیان» شأن نزول آیه را ذکر فرموده است؛ ایشان می‌گویند: «قیل یرید بذلک قوماً من المسلمین بقوا بمكة و لم يستطيعوا الهجرة منهم» توان بر هجرت نداشتند «منهم سلمة بن هشام و الولید بن الولید، عیاش بن ابی ربیعہ، ابو جندل بن سهیل و جماعة كانوا يدعون الله أن یخلصهم من أیدی المشرکین و یخرجهم من مکه». (مرحوم طبرسی(ره) صاحب کتاب «مجمع البیان» هم می‌گویند «قیل» که مراد از این مستضعفین یک گروهی از مسلمان‌ها بودند که در مکه باقی مانده بودند و اینها می‌خواستند هجرت کنند و مشرکین نمی‌گذاشتند! اینها هم دعایشان این بود (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا) که خدایا ما را از این قریه‌ای که اهلش به ما ظلم می‌کند بیرون ببر (وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا) برای ما یک ولی‌ای قرار بده (وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) یک نصیری هم قرار بده که صاحب «مجمع البیان» می‌گوید: اینها یک دعا کردند، دعایشان در فتح مکه مستجاب شد.

به دیگر سخن، ایشان می‌گویند از خود همین آیه استفاده می‌شود که در مقابل آن کسانی که می‌گویند دعا اثر ندارد، این یکی از مواردی بوده که اینها دعا کردند و بعد از مدتی، قضیه‌ی فتح مکه به وجود آمد و دعای اینها مستجاب شد و پیامبر(ص) ولی شد و مسلمین دیگر ناصر شدند، چون اینها سه خواسته داشتند: (أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا) □ (وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا) و (وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)، بنابراین پیامبر اکرم(ص) شد ولی اینها و بقیه‌ی مسلمین به عنوان نصیر برای اینها قرار داده شدند.

نکته‌ی پنجم:

ظاهر آیه این است که فراز الذين يقولون ربنا، برای بیان مورد است نه بیان قیدیت؛

حال سؤال این است، آیه که می‌فرماید: (وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ) آیا این فراز از آیه که (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا) می‌فرماید:

آیا (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا) قیدیت دارد؟ یعنی ما بگوییم خداوند متعال می‌فرماید: چرا نمی‌روید مقاتله کنید و مؤمنین اندکی که در مکه باقی ماندند را از چنگال کفر و شرک نجات بدهید؟!

یا اینکه (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا) قیدیت ندارد، یعنی آیه می‌خواهد بفرماید: اگر رجال و نساء و ولدانی، مطلقاً مستضعف شدند، یعنی نجات مستضعفین روی زمین، هدف جهاد ابتدایی است و جهاد ابتدایی برای نجات مستضعفین در زمین است.

به نظر مختار، ظاهر آیه همین احتمال دوم است اگر چه مورد آیه، اگر این شأن نزول درست باشد در این مورد بوده ولی ظاهراً این است که بگوییم، این (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا) قیدیت دارد؛ یعنی بگوییم مسلمان‌ها هر وقت شنیدند یک عده از مستضعفین در یک نقطه‌ای از زمین استمداد کردند، اینها وظیفه دارند که بروند و مقاتله کنند، اما اگر گفتیم این قیدیت ندارد و

بیان مورد آیه بوده، اگر اینطور باشد این می‌شود که بگوییم (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ) یعنی هر جا مستضعفی که اینها انسان‌هایی هستند که می‌خواهند هدایت شوند ولی نمی‌گذارند، دیگران اصرار دارند که اینها بر کفر و شرک باقی بمانند: «ولو لم يقولوا ربنا أخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها»، که به نظر ما البته الله اعلم، که ظاهر همین است که این (الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا) بیان مورد است، نه اینکه برای این آیه شریفه قیدیّت داشته باشد. می‌گوییم آیه اطلاق دارد (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ) مسلم مراد از این مستضعفین یعنی افرادی که الآن بیرون از دایره شما هستند، نه اینکه شما برای حفظ این ولدان و رجال و نساء خودتان بیاید جنگ کنید، نه! بروید در راه خدا ... و در ادامه‌ی آیه هم می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا). پس ما از آیه، هم وجوب جهاد ابتدایی را و هم اینکه جهاد ابتدایی علاوه بر نشر دین برای نجات مستضعفین هست استفاده کردیم.

نکته‌ی ششم از منظر علامه طباطبائی(ره):

در این آیه خداوند متعال به عصبیت و غیرت، اشاره می‌فرماید؛

نکته‌ی مهمی که در اینجا مرحوم علامه طباطبائی(ره) مورد اشاره قرار دادند این است که در آیه، مسئله‌ی غیرت و عصبیت مطرح شده، یعنی آیات دیگری که در مورد جهاد ابتدایی بود می‌گفتیم: (قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً)، که (فتنة) را هم به معنای شرک بیان می‌کردیم، اما اینجا خدای تبارک و تعالی دارد از غیرت انسان‌ها می‌گوید که شما چقدر افراد بی‌غیرتی هستید که مستضعفین از رجال، نساء و ولدان در کشورهای دیگر هستند و نمی‌روید اینها را نجات بدهید.

جلسه‌ی آتی:

ادامه بررسی نکات مهم آیه از منظر علامه طباطبائی(ره)

آن وقت یک بحثی در اینجا دارند که در مورد عصبیت و غیرت یک مقداری کلامشان طولانی است، نکته‌ی خوبی را اینجا اشاره فرمودند، این را و بعضی از نکات دیگر را ان شاء الله جلسه آینده عرض می‌کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين